



الگوریتم دانش اصول فقه

کتاب الگوریتم دانش اصول فقه نگاشته سید محمدباقر قدمی و رضا میهن‌دوست توسط انتشارات حوزه علمیه خراسان به زیور طبع، مژّین گردید. حجت‌الاسلام قدمی و میهن‌دوست در گفت‌وگویی با هفته‌نامه افق حوزه به سوّالاتی درخصوص انتشار این اثر پاسخ داده‌اند.

■ **در ابتدا خودتان را معرفی بفرمایید.**

بنده سید محمدباقر قدمی دانش‌آموخته حوزه علمیه خراسان هستم و در حال حاضر در سطح۲ به تدریس اصول فقه اشتغال دارم؛ درس خارج فقه را در محضر استاد معظم، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید درایتی و درس خارج اصول را در محضر استاد معظم، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن تبادکانی به اتمام رساندم.

بنده نیز رضا میهن‌دوست دانش‌آموخته حوزه علمیه خراسان هستم و در حال حاضر در سطح۲ به تدریس اصول فقه اشتغال دارم؛ درس خارج فقه و اصول را در محضر استاد معظم، حجت‌الاسلام والمسلمین حمید درایتی به اتمام رساندم.

بنده وصدیق ارجمند حجت‌الاسلام قدمی در چند سال اخیر، پس از گذراندن دوره‌های آموزشی، تمرکز بیشتری در فعالیت‌های پژوهشی تحت نظارت استاد درایتی، در مؤسسه پژوهشی دانشوران مشهد مقدس داشته‌ام.

یکی از زمینه‌های مورد تأکید استاد معظم، مباحث روش‌شناسی استنباط است که تألیف کتاب حاضر نیز در همین راستا تعریف می‌شود.

■ **جناب آقای قدمی، درباره عنوان کتاب مقداری توضیح دهید.**

■ عنوان کتاب از دو کلمه تشکیل شده است. دانش اصول فقه و الگوریتم.

دانش اصول فقه، دانشی است که به قواعد و ضوابط استنباط فقهی می‌پردازد.

الگوریتم فرایند گام به گام هر عملیاتی از ابتدا تا انتهایست؛ از این رو، به نظر می‌رسد، عملیات استنباط فقهی نیز دارای الگوریتم است؛ یعنی می‌توان استنباط فقهی را بر اساس فرایندی مشخص از نقطه آغاز تا پایان تحلیل کرد.

به‌زمع ما، در این کتاب، دانش اصول فقه، در سطح کتاب اصول فقه مرحوم مظفر فرایندسازی شده است؛ البته مؤسسه دانشوران در صدد تدوین الگوریتم دانش اصول فقه در سطح متوسطه و پیشرفته است که بخشی از آن نیز، انجام شده و در مراحل اولیه انتشار است.

■ **جناب آقای میهن‌دوست بفرمایید چه شد که به سمت الگوریتم و تطبیق آن در دانش اصول‌فقه**

رفتید؟

■ اولین اثری که در این زمینه مشاهده کردم، کتاب الگوریتم اجتهاد حجت‌الاسلام مصطفی جلالی بود و سپس آشنایی با دو اثر از دو استاد ارجمند در این زمینه؛ یعنی نوشته حجت‌الاسلام استاد درایتی با عنوان روش حل مسئله فقهی و نیز کتاب الگوریتم اجتهاد حجت‌الاسلام استاد واسطی انگیزه کار ما شد.

■ **کتاب شما چه امتیازی نسبت به کارهای پیشین دارد؟**

■ حقیقت این است که در زمینه‌های علمی کار نشده، آثار نخست از ارزش بالایی برخوردار است و جرأت پرداختن به این موضوعات و انتشار آن قابل تقدیر است؛ اما به‌گمان ما، کتاب الگوریتم دانش اصول فقه، تکمیل‌کننده کارهای پیشین بوده است؛ چراکه کتاب آقای جلالی روند کلی استنباط را بررسی کرده است؛ اما به‌خردفرآیندهای استنباط نپرداخته است و همچنین، کتاب استاد درایتی و استاد واسطی گرچه به برخی از خردفرآیندها پرداخته است؛ ولی تنها به چند محور استنباط پرداخته است.

البته انصاف این است که همین کارهایی که ذکر کردم، انگیزه اصلی کار ما بوده و ما از این کتاب‌ها در ساختار اولیه الگوریتم پیشنهادی، استفاده کرده‌ایم.

■ **جناب آقای قدمی، بفرمایید نگاه الگوریتمی چه فوائدو آثاری دارد؟**

■ از یک منظر می‌توان مباحث علم اصول را به سه‌گونه تقسیم کرد.

– مباحثی‌که به تعریف و ماهیت مبادی و قواعد اصولی می‌پردازد. (چیستی)

– مباحثی که به استدلال برای اثبات قواعد اصولی می‌پردازد. (چرایی)

– مباحثی که به روش به‌کارگیری این قواعد در فرایند استنباط نظر دارد. (چگونگی)

در کتاب‌های اصولی، به دو گونه اول، بسیار پرداخته شده است؛ اما گونه سوم گرچه بخشی از آن، از لابه‌لای کلمات اصولیان قابل برداشت است؛ ولی به‌صورت شفاف و مستقیم بیان نشده است.

عدم شفافیت روش به‌کارگیری قواعد اصولی باعث شده

است که گسستی میان اصول و استنباط فقهی احساس شود.

طراحی الگوریتم استنباط فقهی، می‌تواند باعث شفافیت مسیر استنباط گردد. علاوه بر اینکه یافتن این خلأها ممکن است، به نظرات جدید در علم اصول منجر‌شود.

از طرفی الگوریتم بیان گام‌به‌گام مباحث است که موجب روشن شدن جایگاه هر بحث در ساختار کلان اصول می‌شود و ارتباط مباحث اصولی هم معلوم می‌شود؛ لذا این نوع تبیین مباحث اصولی می‌تواند شناخت بهتری از مباحث اصولی را ایجاد نماید.

از منظر دیگر، طلبه‌ها احساس می‌کنند که پس از سال‌ها صرف عمر، در فراگیری کتاب‌های متعدد اصولی و با صرف این مقدار از وقت و فراگیری اصطلاحات اصولی، قوه استنباط را کسب نکرده‌اند و هنوز نیاز به تکمیل و جمع‌بندی مباحث اصولی وجود دارد و به نظر می‌رسد که نگاه الگوریتمی به دانش اصول می‌تواند، مباحث را به‌صورت منسجم و ناظر به جایگاه واقعی آن‌ها تبیین کند و این خلأ را در استنباط فقهی جبران کند.

■ **این نگاه الگوریتمی را شما در دانش‌اصول چگونه ارائه کردید؟**

■ به نظر ما، در علم اصول، دستگاه استنباط فقهی طراحی می‌گردد و فقیه با کمک آن به بررسی ادله می‌پردازد و احکام را استخراج می‌نماید. در واقع برای استنباط فقهی، سه عنصر اصلی وجود دارد: عنصر ورودی این دستگاه، مسئله فقهی و ادله است و عنصر خروجی آن، حکم شرعی.

عنصر سوم، عنصر پردازشگر (قواعد کلی) است که میان این دو، ارتباط ایجاد می‌کند و به‌تناسب ادله ورودی، خروجی مناسب ارائه می‌دهد.

از آنجا که هدف اصلی این دستگاه، حکم شرعی است، در الگوریتم پیشنهادی، مسیررسیدن به حکم شرعی، از دو زاویه عرضی و طولی تبیین شده است.

در ناحیه عرضی، مسیر رسیدن به اجزای جعل (موضوع، متعلق و حکم) بیان می‌شود.

در ناحیه طولی، مسیر دستیابی به هر یک از مراتب حکم (جعل، فعلیت و تنجز) فرایندسازی شده است؛ یعنی الگوریتم استنباط باید به این سؤال پاسخ دهد، که آیا حکم، جعل شده است یا خیر؟ و اگر جعل شده است، آیا به مرتبه فعلیت رسیده‌است یا خیر؟ و اگر به مرتبه فعلیت رسیده‌است، آیا به مرتبه تنجز هم رسیده‌است یا خیر؟

■ **جناب آقای میهن‌دوست، بفرمایید در این کار، چه چشم‌اندازی را برای خود در نظر دارید؟**

■ در ابتدای سخن، مطرح‌شد که کتاب حاضر، الگوریتم دانش اصول فقه در دوره عمومی است و بخشی از دوره متوسطه و پیشرفته در حال انجام است و در صدد تکمیل آن هستیم.

از منظر دیگر، بخشی از الگوریتم استنباط فقهی، مرتبط به مباحث رجالی می‌شود؛ از این رو، کتابی با عنوان «فرایند اعتبارسنجی صدور حدیث» تدوین شده است و در مراحل اولیه انتشار است.

فعالیت سومی که در صدد انجام آن هستیم، الگوریتم دانش اصول بر اساس مبانی بزرگان اصولی دیگر؛ مانند محقق خراسانی و شهید صدر است.

طرح دیگری که بسیار ضروری به نظر می‌رسد، عملیاتی کردن الگوریتم دانش اصول و تطبیق آن در مسائل فقهی است؛ چراکه نظریات و تئوری‌ها هنگام‌کاربست و عملیاتی کردن آن، ارزیابی می‌شوند؛ یعنی اگرنظریه‌ای اصولی در فقه، به‌خوبی اجراء و تطبیق شود، نشان از صحت و قوت آن است؛ از این رو در نظر داریم که بخش‌هایی از مکاسب را بر اساس الگوریتم پیشنهادی، بازسازی کنیم که این کار می‌تواند، به‌عنوان مکمل آموزشی کتاب مکاسب، در سطح۲و۳ اجرایی گردد.

پروژه پنجم که بخش‌های زیادی از کارهای فکری آن انجام شده است، ارائه الگوریتم پیشنهادی در قالب نرم‌افزار تعاملی است. این نرم‌افزار می‌تواند ابزار آموزشی مناسبی برای اساتید و دانش‌پژوهان عرصه استنباط باشد؛ چون در این نرم‌افزار، چک کردن بایسته‌های عملی و کاربردی استنباط که به‌صورت آیمت‌هایی از کاربر درخواست می‌شود و غفلت کاربر را که جزء لاینفک کارهای انسانی است، به حداقل می‌رساند.

اما رویکرد دیگری که بسیار مهم و

مورد توجه در فن‌آوری اطلاعات واقع شده است، طراحی هستان‌نگار علوم و آنتولوژی‌هاست که البته رویکرد الگوریتمی در طراحی آنها مؤثر است.

طراحی گراف و آنتولوژی‌ها در هوش مصنوعی کاربرد اساسی دارند. به نظر می‌رسد، با توجه به فراگیری زیاد هوش مصنوعی، قیل از اینکه دیگران برای علوم اسلامی نسخه بپیچند، دانشوران بومی حوزوی، خود، به این مهم اقدام کنند.

■ **آیا در این کار با چالش‌هایی هم مواجه بوده‌اید؟**

■ یکی از چالش‌های کار این است که این نگاه، سابقه کمی دارد که طبیعتاً جدید بودن این نگاه، مقداری استنکاف برخی را در پی دارد.

برخی نیز نسبت به این‌گونه کارها تأملات علمی دارند؛ به‌عنوان مثال، یکی از چالش‌های نگاه الگوریتمی در علم اصول فقه، شخصی‌بود قطع و ظهور است؛ یعنی ممکن است برای شخص خاصی به‌جهت حالات نفسانی او؛ مانند زودبآوری و یا دیربآوری، قطع حاصل شود و برای دیگران این اتفاق نیفتد و این مسئله، تحت ضابطه قرار دادن حصول قطع را سخت می‌کند؛ چون عوامل بسیاری در آن نقش دارد که تحت ضابطه قرار نمی‌گیرند.

در مساله استظهار نیز برخی از قالب‌های استظهاری نوعی و عقلایی در علم اصول تعریف شده است؛ مانند دلالت هیئت امر بر وجوب؛ اما بسیاری از موارد استظهار وجود دارد که تنها ضابطه آن، رسیدن به حد ظهور است؛ اما بیش از آن ضابطه‌ای مطرح نشده است و لذا از حالت نوعی، به شخصی، تبدیل می‌شود و این نیز مانعی، برای فرایندسازی آن است.

برای پاسخ به این چالش، ابتدائاً مقدمه‌ای ذکر می‌شود. مقدمه این است که نگاه الگوریتمی دارای سه رویکرد است:

– رویکرد انتسابی

– رویکرد فقیه‌یار

– رویکرد آموزشی

رویکرد انتسابی به این معناست که به‌عنوان مثال، می‌توان الگوریتم استنباط فقهی آیت‌الله خوئی را با تمام جزئیات



استخراج کرد و در مسائل مستحدثه آن را به‌کار بست و نتیجه را به ایشان منتسب کرد. رویکرد فقیه‌یار نیز به این معناست که بر فرض، نتوان نتیجه‌کاربست الگوریتم را انتساب داد؛ اما این الگوریتم می‌تواند در فرایند استنباط، غفلت‌زدا باشد؛ یعنی اگر فقهی الگوریتم فکری خود را تهیه کند، کاربرست این الگوریتم باعث از بین رفتن بسیاری از خطاهای انسانی می‌شود.

رویکرد آموزشی هم به این معناست که بر فرض، نتیجه الگوریتم قابل استناد نباشد و به کمک فقیه نیز نیاید؛ اما می‌توان از این نگاه، در آموزش علم اصول بهره برد و آن را از حالت تنویرک به‌حالت عملیاتی ارتقاء داد.

بعد از بیان این مقدمه، در پاسخ به چالش‌های مطرح‌شده، دو نکته قابل طرح است:

نکته اول این است که این اشکالات، ناظر به رویکرد اول است نه رویکرد دوم و سوم؛ درحالی‌که رویکردهای فقیه‌یار و آموزشی بسیار قابل توجه هستند و کتاب حاضر، بر اساس رویکرد سوم نگاشته شده است.

نکته دوم این است که ضوابطی برای استظهار و حصول عقلایی قطع بیان شده است و این، کاشف از امکان ضابطه‌مندسازی استظهار و حصول قطع است؛ اما در علم اصول موجود، این ضابطه‌مندسازی فعلاً به‌صورت حداقلی انجام شده است؛ از این رو به نظر می‌رسد که این اشکال، ناظر به اصول فقه موجود است؛ ولی نگاه نظریه الگوریتم به اصول فقه مطلوب است.

نگاه الگوریتمی به اصول فقه مطلوب، باب واسعی را برای تحقیقات و پژوهش‌های جدید پیش روی دانشوران علم اصول می‌گشاید؛ چراکه در این زمینه، کارهای به زمین‌مانده، بسیار است.

به‌عنوان مثال، در همین راستا در مؤسسه پژوهشی دانشوران، حجت‌الاسلام استاد ابراهیم نیکدل، تنها در بحث تخخیر



طراحی الگوریتم استنباط فقهی، می‌تواند باعث شفافیت مسیر استنباط گردد.

علاوه بر اینکه یافتن این خلأها ممکن است، به نظرات جدید در علم اصول منجر‌شود.

از طرفی الگوریتم بیان گام‌به‌گام مباحث است که موجب روشن شدن

جایگاه هر بحث در ساختار کلان اصول می‌شود

و ارتباط مباحث اصولی هم معلوم می‌شود؛ لذا این نوع تبیین مباحث اصولی

می‌تواند شناخت بهتری از مباحث اصولی را ایجاد نماید.

(دوران بین محدورین) که به نظر می‌رسد، بحث مختصری در دانش اصول است، طی زمانی در حدود دو سال، با نگاه الگوریتمی، ضوابط و قواعد بسیاری که شفاف نبوده را شفاف‌سازی کرده و برخی ضوابط را نیز ابداع کرده‌اند.

برخی از اساتید نیز در خصوص به‌کار بردن لفظ «الگوریتم»، ابهام یا مناقشه دارند که به نظر می‌رسد، در این زمینه، باید طرفین، به اصطلاحات متخصصان فن، پای‌بند باشند.

■ **جناب آقای قدمی! یکی از سوّالاتی که معمولا در این زمینه مطرح می‌شود، این است که آیا روش‌شناسی استنباط علمی، مستقل از علم اصول است و یا اینکه علم اصول، متکفل روش‌شناسی استنباط نیز هست؟**

■ برخی از دانشوران معتقدند، روش‌شناسی استنباط فقهی، علمی مستقل است و ذیل دانش اصول فقه قرار نمی‌گیرد؛ اما به نظر می‌رسد، تبیین روش استنباط فقهی نیز، وظیفه دانش اصول است؛ چراچند ممکن است این روش‌شناسی به‌صورت کامل، در اصول فقه موجود بیان نشده باشد؛ اما باید اصول فقه مطلوب متکفل آن باشد.

شاهد آن اینکه اصول فقه، روش‌شناسی و فرایندسازی استنباط فقهی را بر عهده دارد (نه فقط صرف بیان عناصر مشترکه استنباط) و بیان مقداری از فرایندها در دانش اصول است.

شهید صدر در حلقه اولی، عبارتی دارند به این مضمون که «علم‌الاصول لایحد العنصرالمشترکه فحسب بل یحدد أيضاً درجات استعمالها والعلاقة بینها» که این عبارت، اشاره دارد که وظیفه دانش اصول، فراتر از تعیین عناصر مشترک است.

البته باید به این نکته نیز توجه کرد که برخی از مباحثی که به‌عنوان روش‌شناسی از آن یاد می‌شود، در واقع، روش‌شناسی نیست؛ بلکه پرداختن به تکنیک‌های تحقیق است که از محل بحث خارج است.

انتشار جلد سوم کتاب «عقلانیت شهود؛ تحریر فصوص الحکم قیصری»



ایشان در کتاب «عقلانیت شهود؛ تحریر فصوص‌الحکم قیصری»، از چند جبهه با رویکرد تحریری به ابعاد کتاب اسطوره‌ای فصوص‌الحکم ابن‌عربی پرداخته و با توجه به شروح و تعلیقات مختلف و با محوریت شرح جناب قیصری به تبیین این متن استثنایی اهتمام ورزیده‌اند. پیش‌بینی می‌شود، این مجموعه در ۱۶ مجلد تنظیم و منتشر شود.

علاقه‌مندان به تهیه آثار آیت‌الله العظمی جوادی آملی می‌توانند، به سایت www.nashresra.ir مراجعه کنند.

امضای تفاهم‌نامه میان پژوهشگاه مطالعات تقریبی و بنیاد بین‌المللی صحیفه سجادیه

با حضور مسئولان بنیاد بین‌المللی

صحیفه سجادیه و پژوهشگاه مطالعات تقریبی، تفاهم‌نامه‌ای میان این دو نهاد، با موضوع همکاری فی‌مابین با محوریت همکاری در خصوص نشر و ترویج معارف همکاران صحیفه سجادیه در جهان اسلام به امضا رسید.

به گزارش خبرگزاری حوزه، ششم دی، تفاهم‌نامه‌ای میان پژوهشگاه مطالعات تقریبی وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و بنیاد بین‌المللی صحیفه سجادیه، با موضوع همکاری فی‌مابین با محوریت همکاری در خصوص نشر و ترویج معارف ادعیه و صحیفه سجادیه در جهان اسلام به امضا

رسید.

در این جلسه ابتدا حجت‌الاسلام مرتضی وافی مدیر بنیاد بین‌المللی صحیفه سجادیه در خصوص این تفاهم‌نامه بیان کرد؛ مجمع جهانی تقریب یک ظرفیت برای بررسی و شناسایی و استخراج مفاهیم و معارف ادعیه و صحیفه سجادیه در سطح جهان اسلام است. اندیشمندان جهان اسلام به نیایش و دعا و توجه به حضرت حق، آن هم از زبان اهل‌بیت(ع) و امام سجاد(ع) به‌طور خاص توجه کرده‌اند و کتاب‌ها و آثار مهمی در این زمینه دارند. تجلیل و تکریم از خود صاحبان این آثار و شناسایی وضبط آثار این متفکران، می‌تواند موجب

نزدیک شدن افکار اندیشمندان جهان در این خصوص شود و هم می‌تواند موجبات وحدت و هم‌فکری و هم‌اندیشی مسلمانان را فراهم آورد.

در ادامه حجت‌الاسلام اکبر راشدی‌نیا رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی نیز، بیان کرد: توجه مجمع جهانی تقریب، برجسته‌سازی مشترکات بین مذاهب اسلامی و توجه به آنهاست. این مشترکات بسیار گسترده است و اختلافات خیلی کم می‌باشد؛ اما متأسفانه دشمن با برجسته‌سازی اختلافات، باعث ایجاد نفاق، اختلاف و نزاع بین مسلمانان شده است.

وی تأکید کرد: هدف اصلی مجمع